

باسمه تعالی

عنوان کرسی: روش شناسی استنباط حکم اخلاقی بر اساس تحلیل فلسفی ارزش های اخلاقی

ارائه دهنده: حجت الاسلام دکتر علی احمدی امین (عضو هیئت جامعه المصطفی العالمیه)

ناقد اول: حجت الاسلام دکتر محمدعلی محیطی اردکان (استادیار موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی^(ه))

ناقد دوم: حجت الاسلام دکتر حسن محیطی اردکان (استاد همکار جامعه المصطفی العالمیه)

مدیر کرسی: حجت الاسلام دکتر علی پاکپور (عضو هیئت جامعه المصطفی العالمیه)

مکان: دانشگاه مجازی المصطفی

زمان: سه شنبه (۲۴ مهر ۱۴۰۱)، ساعت ۱۲-۱۰

در این کرسی که با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز گردید، در ابتدا مدیر کرسی با ارائه ضوابط و نحوه مدیریت کرسی به تبیین مسئله پرداختند و بیان نمودند که نگرش متفاوت و جدید نسبت به بلاغت کلمه، منطق حاکم بر برگزاری این کرسی است که زیبایی شناسی صور آیات و ارتباط آیات با هم ضمن الحان و اصوات کلمات از قرائن پرداختن به مسئله است. در ادامه، ارائه دهنده حجت الاسلام دکتر احمدی امین به بررسی رویکرد مدنظر خویش نسبت به موضوع کرسی پرداختند و موضوع را به شرح زیر بررسی نمودند:

احکام اخلاقی نظری برای موجه شدن نیازمند توجیه و دلیل هستند. اندیشمند اخلاقی برای مستدل کردن باورهای اخلاقی لازم است روشی قابل اعتماد برگزیند و از روش ارائه شده دفاع کند. در حوزه اخلاق گستره وسیعی از دیدگاه‌ها ارائه شده که در برخی موارد در جهت مقابل یکدیگرند. از دیدگاهی که امکان توجیه در اخلاقیات را منتفی کرده‌اند تا دیدگاه‌های انسجام‌گرا در توجیه و نهایتاً طیفی از دیدگاه‌های مبنایگرا این گستره را تشکیل می‌دهند. برخی از مبنایگرایان گزاره‌های پایه اخلاقی را به شهود و وجدان ارجاع داده‌اند و دیگرانی آنها را بدیهی دانستند؛ برخی دیگر با رویکردی استعلایی، گزاره‌های پایه را شرط تحقق احکام اخلاقی تلقی کردند؛ و دیگرانی گزاره‌های اخلاقی پایه را اموری عرفی و مشهوری پنداشته‌اند و افرادی همچون علامه مصباح با ارجاع احکام اخلاقی نظری به احکام غیر اخلاقی بدیهی دست به توجیه آنها می‌زنند.

روش استنباط حکم اخلاقی از منابع اخلاقی متأثر است. روش استنباط حکم اخلاقی از منبع نقلی با منبع عقلی متفاوت بوده و این دوروش با روش تجربی نیز متفاوتند. ممکن است در یک دیدگاه مانند دیدگاه اسلام، همه این منابع برای استنباط حکم اخلاقی پذیرفته شوند و ممکن است برخی دیدگاه‌ها همه منابع را معتبر ندانند. ما در این مقاله تلاش داریم با تأکید بر روش عقلی و با تحلیل فلسفی ارزش اخلاقی، روشی برای استدلال اخلاقی ارائه دهیم. ممکن است در بررسی‌های پیش‌رو با استدلالی مواجه شویم که برخی از مقدمات آن نقلی یا تجربی باشند، لکن ما در اینجا به آن بخش از استدلال می‌پردازیم که مربوط به تحلیل فلسفی است. بنابراین روش استنباط احکام اخلاقی از نقل یا به تعبیری اخلاق استظهاری و یا روش-شناسی تجربی در فهم احکام اخلاقی مدنظر ما نیست.

شناخت روش برای استنباط احکام اخلاقی، بخشی متمایز از بحث‌های معنانشناسانه و معرفت‌شناسانه در فرااخلاق است. درعین حال یافتن روش استنباط حکم اخلاقی متوقف بر معنای مفاهیم اخلاقی و توجیه اخلاقی می‌باشد. حقایق اخلاقی اموری ماهوی نیستند و مفاهیم ارزشی از سنخ معقولات ثانی فلسفی می‌باشند که با نسبت‌سنجی و لحاظ عقلی انتزاع می‌شوند. استنباط حکم اخلاقی به معنای یافتن حکم ارزشی یک عمل اختیاری در موقعیت خاص است. همانطور که بیان شد در اینجا به دنبال استظهار از متن نیستیم و استنباط مورد نظر با توجه به تحلیل فلسفی موقعیت اخلاقی و سنجش عمل اخلاقی با توجه به معیار اخلاق هستیم. رسیدن به استنباط حکم اخلاقی روشی می‌طلبد که بر اساس آن اندیشمند اخلاقی بداند چه مولفه‌هایی را باید رصد کند و چه نسبت‌هایی را باید بکاود و چگونه به حکم اخلاقی دست یابد. در ادامه مولفه‌های دخیل در حکم اخلاقی را تحلیل کرده، روش قابل قبول را تبیین می‌کنیم.

برخی از احکام اخلاقی از سنخ گزاره‌های تحلیلی هستند به این معنا که محمول اخلاقی در موضوع اخلاقی اشراب شده است بطوری که یا جزءی از معنای آن است یا از لوازم غیر قابل انفکاک و بین آن می‌باشد. به عنوان مثال گزاره «العدل حسن»^۱، اگر عدل به معنای «وضع الشيء في موضعه الحسن» باشد گزاره‌ای تحلیلی است. علامه مصباح در این رابطه می‌فرماید: «به نظر ما حسن عدالت و لزوم رعایت آن، در ادراکات عملی، از جمله قضایای تحلیلی است و راز بدیهی بودنش نیز در تحلیلی بودن آن نهفته است»^۲. این گزاره به جهت تحلیلی بودن بدیهی است، اما به همان جهت امکان‌شناسایی مصادیق خود را ندارد. اندیشمند اخلاقی که حکم اخلاقی یک واقعه خاصی را استنباط می‌کند، نمی‌تواند به این گزاره بسنده کند، هرچند می‌تواند از این گزاره در کبرای یک قیاس منطقی بهره‌برد. صغرای قیاس ممکن است از روش عقلی یا نقلی یا هر روش دیگری به دست آید و قیاسی با کبرای تحلیلی مورد نظر شکل دهد. قیاس مورد نظر عبارت است از:

مقدمه اول: الف مصداق عدل است.

مقدمه دوم: عدل نیکوست.

بنابراین: الف نیکوست.

مثال دیگر برای گزاره‌های تحلیلی در اخلاق این گزاره است: «اطاعت و بندگی خداوند متعال موجب تقرب به خداوند است.» با توجه به معیار مورد قبول در اخلاق، حُسن فعل به نسبت آن با قرب الهی سنجیده می‌شود. با توجه به اینکه میان طاعت و بندگی الهی و تقرب به او تلازم وجود دارد می‌توان محمول این گزاره اخلاقی را از لوازم موضوع آن دانست و آن را تحلیلی ارزیابی کرد. بنابراین می‌توان چنین استدلال کرد:

مقدمه اول: الف مصداق بندگی است.

مقدمه دوم: بندگی موجب تقرب به خداوند است.

بنابراین: الف موجب تقرب به خداوند است.

همچنین می‌دانیم که هر چیزی که موجب تقرب به خداوند می‌شود به جهت اخلاقی نیکوست، لذا می‌توان نتیجه گرفت که اطاعات و بندگی خداوند متعال اخلاقاً نیکوست. باید توجه داشت که این گزاره نیز هیچ مصداقی از مصادیق خود را نشان نمی‌دهد. به عنوان مثال نمی‌توان نماز یا روزه یا هر فعل دیگری را بطور مطلق مصداق عبادت دانست زیرا ممکن است همین افعال در برخی مصادیقش مصداق معصیت و عدم بندگی باشد.

لازم به ذکر است که گزاره‌های تحلیلی توتولوژیک یا این همانی مفهومی صرف نیستند. این گزاره‌ها فاقد محتوا نیستند و هر یک بینشی نسبت به ویژگی‌های افعال ارزشمند اخلاقی به ما می‌دهند و به همین جهت با داشتن گزاره‌های تحلیلی و یافتن مصادیق موضوعات این گزاره‌ها می‌توان به استنباط حکم اخلاقی دست زد.

هدف اخلاق رسیدن به سعادت و کاویدن راه وصول به بالاترین خیر و کمال اختیاری فاعل اخلاقی است. در جای خویش ثابت شده که مصداق بالاترین کمال اختیاری انسان، قرب و نزدیکی به کاملترین موجود یعنی خداوند متعال است که مطلوب و هدف نهایی اخلاق می‌باشد. اگرچه مفاهیمی چون قرب الهی و کمال اختیاری از سنخ مفاهیم ارزشی و اخلاقی نیستند، اما از تحلیل فلسفی آنها می‌توان به مفاهیمی اخلاقی دست یافت. این مفاهیم که حکایت‌گر ویژگی‌ها و صفات وجودی انسان کامل و فرد قریب هستند، ارزش اخلاقی دارند.

قرب وجودی فاعل شناسا به موجود مطلق، به لحاظ فلسفی قابل تحلیل است. فاعل شناسا در بالاترین درجه قرب به بالاترین درجه معرفت حضوری و عشق و محبت به او نائل می‌گردد. بنابراین بالاترین درجه علم حضوری به کمال مطلق و بالاترین درجه محبت به او دو ویژگی قابل شناسایی از هدف نهایی اخلاق هستند. همچنین اگر ایمان آمیخته‌ای از شناخت و گرایش تعریف شود، آنگاه از تحلیل این دو ویژگی بینشی و گرایشی می‌توان به مفهوم ایمان منتقل شد و به این ترتیب پا به عرصه مفاهیم اخلاقی باز خواهد شد. می‌توان گفت، بالاترین درجه ایمان وصفی از غایت نهایی اخلاقی است و طبیعتاً با تحلیل مفهوم ایمان و یافتن لوازم آن به ویژگی‌های هدف اخلاق شناختی بهتر خواهیم یافت. علامه مصباح در تبیین اهمیت ایمان و

اعتقادات می‌فرمایند: «در مورد اهمیت ایمان و عقاید همین بس که بر اساس دیدگاه اسلامی، ماهیت و حقیقت وجودی هر کس تابع عقاید او است».

انسان کامل در بیان عرفانی و اخلاقی گویای همان انسان فضیلت‌مندی است که شناخت ویژگی‌های وجودی او ما را در شناخت هدف اخلاق یاری می‌کند. شناخت ویژگی‌های انسان کامل از روش‌های متعددی همچون نقل، عقل و شهود ممکن است و با داشتن تبیینی روشن و تفصیلی از ویژگی‌های هدف اخلاق و منش انسان کامل، امکان سنجش اعمال اخلاقی فراهم خواهد شد.

انسان برای رسیدن به هدف نهایی خویش لازم است اهداف متعددی در زندگی دنیایی و اجتماعی را تأمین کند. هرکدام از این اهداف میانی می‌توانند ملاک و معیاری باشند که در استنباط حکم اخلاقی بکار گرفته شوند. گاهی عدم تأمین نیازهای فردی و اجتماعی مانعی در رسیدن به هدف اخلاقی خواهند بود. فرض بگیرید برای رسیدن به معرفت الهی به نظامی برای یادگیری و تربیت افراد نیازمند باشیم؛ در این صورت تلاش برای احداث چنین نظامی، به جهت اخلاقی پسندیده و مطلوب خواهد بود. اهداف میانی را می‌توان به دو بخش اهداف فردی و اهداف جمعی تقسیم کرد. همچنین اهداف فردی را می‌توان به اقسام و سطوحی تقسیم کرد که در این زمینه می‌توان از تحقیقات میان‌رشته‌ای همچون روانشناسی استفاده کرد. سطوح نیازهای مزلو یا دیدگاه‌های انتقادی نسبت به آن می‌توانند بینشی به نیازهای فردی از نیازهای اولیه تا شکوفایی وجودی ارائه کنند. اهداف جمعی نیز قابل دسته‌بندی و نظام‌مندسازی هستند. از اهداف کلان سیاسی تا حقوقی و اقتصادی در حوزه‌های مختلف آموزشی، درمانی، رفاهی و مانند آن از جمله این اهداف هستند. نکته مهم در رابطه اهداف میانی، لزوم داشتن شاخص برای تحدید اهمیت و ارزش آن است. انسان در این دنیا لازم است ابتدا نیازهای اولیه خویش همچون خوراک و پوشاک را تأمین کند، اما جای این سوال است که پرداختن به این امور تا چه میزانی مطلوب است.

برای رسیدن به حکم اخلاقی، شناخت اهداف اخلاقی کافی نیست و به تحلیلی از فعل اخلاقی نیازمندیم. در رابطه ارزش اخلاقی فعل اختیاری از جهت خود فعل، دیدگاه‌های متعددی وجود دارد. برخی افعال را به جهت خودشان فاقد ارزش اخلاقی می‌دانند و برخی برای آنها ارزش ذاتی و مطلق قائلند و برخی برای افعال ارزش اقتضائی در نظر می‌گیرند. فارغ از نقد دلایل هر دیدگاه، معتقدیم که افعال به خودی خود تأثیرات و پیامدهایی دارند که می‌توان نسبت آنها را با هدف اخلاق سنجید.

فعل اخلاقی در هر موقعیتی با توجه به شرایط تحقق آن صفاتی خواهد یافت. گاهی تأثیرات آن صرفاً برای خود فرد است و گاهی به دیگران نیز سرایت می‌کند. تأثیرات بینشی، گرایشی و رفتاری نزدیک‌ترین تأثیرات فعل بر فاعل است و در مرتبه دیگر تأثیر بر متعلقات و داشته‌های فرد است که قابل سنجش می‌باشد. از اتلاف و اسراف دارایی‌ها تا تولید خیرات بیشتر همگی از آثار فعل اختیاری هستند.

نیت در لغت به معنای قصد انتقال از جایی به جای دیگر، قصد، عزم و توجه قلبی، و همچنین امر مقصود و جهت مقصود به کار رفته است. در واقع نیت انگیزه‌ای آگاهانه است که از مقدمات اراده بوده و در فعل اختیاری تأثیر می‌گذارد. نیت را می‌توان از سنخ گرایش‌ات انسانی دانست که با بینش و شناخت همراه است. برای سنجش یک عمل اخلاقی نمی‌توان به بررسی ماهیت عمل یا ویژگی‌های اهداف اخلاقی بسنده کرد. ارزش فعل اخلاقی مشروط به نیت است و به همین جهت بررسی نیت در فهم ارزش عمل ضروری است.

نکته حائز اهمیت در نیت این است که متعلق آن همواره امری درونی است که فاعل آن را کمال خویش می‌داند و با نیت انجام فعل قصد اکتساب آن را دارد. به تعبیر دقیق‌تر متعلق نیت همان کمال مفروض در نزد فاعل است. البته اینکه کمالی که فرد برای خود در نظر می‌گیرد به لحاظ هستی‌شناسی قابل بررسی و ارزش‌سنجی است. ارزش کمال مفروض امری اخلاقی نیست اما در سنجش ارزش اخلاقی قابل استفاده است. به این ترتیب که با سنجش کمال خواسته شده با کمال نهایی می‌توان ارزش اخلاقی نیت را احتساب کرد.

قابل ذکر است که نیت به تنهایی و فارغ از تحقق فعل نیز قابل ارزش‌گذاری اخلاقی است. به این ترتیب که گاهی فرد نیت عملی را دارد که شرایط تحقق بیرونی آن محقق نیست، با این وجود این نیت اگر نیکو باشد نتایج و پیامدهای وجودی نیکویی برای او به همراه خواهد داشت. همچنانکه ممکن است عملی با نیت خاصی تحقق یابد اما در اثناء امکان ادامه آن عمل تغییر کند و یا اینکه عمل با نیت متفاوتی ادامه یابد که همه اینها در ارزش اخلاقی موثر است.

تاکنون از نیت به عنوان یک عامل در سنجش ارزش اخلاقی بحث کردیم. با توجه به اینکه نیت امری درونی است، برای سنجش ارزش آن از دو راه می‌توان بهره برد. درون‌کاوی توسط فاعل اخلاقی راهی برای شناخت دقیق نیت است. گاهی جنبه‌های مختلفی از نیت از دید فاعل مخفی می‌ماند که با درون‌کاوی و تأمل در خطورات ذهنی و تمایلات قلبی می‌توان آن را آشکار کرد. روش دیگر برای شناسایی متعلق نیت، استفاده از روش‌ها و تکنیک‌های روان‌شناختی است. یک مشاور اخلاقی با استفاده از مصاحبه‌های تشخیصی و پرسش‌های اکتشافی در کنار تست‌ها و تکنیک‌های روان‌شناختی می‌تواند متعلق نیت را کشف کرده به مراجع خود کمک کند.

مکاتب نتیجه‌گرای اخلاقی را از یک جهت می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد؛ مکاتب خودگرا و دیگرگرا. مکاتب خودگرا معیار را خیر و منفعت فاعل می‌دانند، در حالی که مکاتب دیگرگرا خیر دیگران را معیار قرار می‌دهند. خودگرایان بر این باورند که حتی رفتارهای خیرخواهانه نیز برای تأمین خوشایندهای درونی و لذت بردن از آنها انجام می‌گیرد. در حالی که دیگرگرایان معتقدند عملی که برای خیر خود انجام شود خودخواهانه و غیر اخلاقی است. فارغ از طرح و بررسی اقسام دیدگاه‌ها و استدلال‌هایشان در حوزه مکاتب اخلاقی تلاش‌هایی صورت گرفته تا وجه جمعی بین خیر فاعل و دیگران به وجود آورد.

مکتب سودگرایی تلاشی در همین راستاست. که با انتقاداتی نیز مواجه شده است. در اینجا به دنبال این هستیم که دیدگاه مورد قبول را در رابطه با خیر و نفع دیگران بررسی کنیم تا خود شاخص و معیاری برای سنجش اخلاقی در اختیار باشد. لازم به ذکر است که ارزش‌ها اخلاقی با توجه به هدف اخلاق که رسیدن به سعادت و کمالات انسانی است نمی‌تواند از منافع و خیر فاعل غافل باشد و مثلاً ارزشی را الزام کند که به شقاوت فاعل منتهی گردد، زیرا چنین الزامی با هدف اخلاق در تعارض است. ارزش‌های اسلامی نیز بدون تردید خواهان رسیدن فاعل به سعادت و فلاح و رستگاری هستند و راه رسیدن به این مطلوب را نشانگرند. مکتب اخلاقی اسلام در عین حال مسأله خیر دیگران را مورد توجه قرار داده است. توجه به خیر دیگران یکی از عوامل مهم در رهیافت فاعل به سعادت و کمالات اخلاقی خویش است. همچنین در احتساب خیر دیگران معیارهایی برای سنجش قابل ارائه است. فردی که در جهت رفاه زندگی دیگران گام برمی‌دارد، قطعاً عمل شایستی انجام داده است، اما کسی که خیرات اخروی دیگران را فراهم می‌کند، خیر بیشتری به ایشان رسانده و فعلش با ارزش‌تر است. به همین جهت کار انبیاء و معلمان راه هدایت بالاترین خیر را به همراه دارد. پیامبر اکرم (ص) با اشاره به همین واقعیت در توصیه‌ای به حضرت علی (ع) می‌فرماید: «لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَغَرَبَتْ»؛ اگر خداوند عَزَّ وَجَلَّ با دستان تو کسی را هدایت کند، به‌طور حتم از آن‌چه خورشید بر آن طلوع و غروب کرده است برایت بهتر است.

ارزش‌سنجی فعل اخلاقی با توجه به اصول و قواعد عام و خاص مربوط به اجتماع اجتماع انسانی برای بقا و ارتقا نیازمند به ضوابط و قواعدی است. همانطور که برخی از اعمال به تضعیف انسجام اجتماعی می‌انجامد برخی از اعمال انسجام اجتماعی را بیشتر کرده و به اخلاقی بودن جامعه کمک می‌کند. عمل در چهارچوبه قواعد مطلوب اجتماعی اخلاقی و پسندیده خواهد بود. جامعه مطلوب کمالی اختیاری برای فرد به حساب نمی‌آید، لکن داشتن چنین جامعه‌ای بستری مناسب برای رشد اخلاقی خواهد بود و به این ترتیب مطلوبیت اخلاقی پیدا می‌کند.

این معیار با معیار قبلی که تحصیل خیر دیگران بود متفاوت است. این معیار به چهارچوبه و قواعد جامعه مطلوب اشاره دارد که بودن آن می‌تواند خیرات فراوانی به همراه داشته باشد. برای توضیح تفاوت این دو معیار می‌توان از دو صفت احسان و عدل بهره برد. عمل محسنانه و عادلانه احسان به جهت اخلاقی مثبت هستند که در ارتباط با دیگران و جامعه قابل تأملند. احسان نیکوست زیرا خیری برای دیگران تأمین می‌کند و متناسب با فاعل خیرخواه است. عدل نیز نیکوست زیرا جامعه‌ای مطلوب تأمین می‌کند و متناسب با فاعل عادل است. امام علی (ع)، در بیان تفاوت عدل و احسان، عدل را به معنای انصاف و احسان را به معنای نیکی و تفضل دانسته‌اند. رعایت انصاف به این است که در تنصیف و تقسیم خیرات حق هرکسی به او داده شود و نیکی و تفضل در اعطای خیرات مورد استحقاق خود به دیگران است. بنابراین دو نگاه در سنجش اخلاقیات وجود دارد که یکی در انتقال خیرات فاعل به دیگران بدون چشم‌داشت است و دیگری در تنظیم و تسبیق و رعایت ضوابط و قواعد عام حاکم بر جامعه مطلوب است.

اصل عدالت اجتماعی را می‌توان در رأس اصول مطلوب اجتماعی دانست. اینکه هر فردی به حق خود برسد و به کسی در حقوقش ظلمی نشود. عدالت، اصلی اخلاقی و دارای گستره‌ای وسیع است که این وسعت به دیدگاه‌های متعدد و متشتت انجامیده است. قواعد دیگری می‌توان یافت که ذیل اصل عدالت قابل طرح است و به بهسازی اجتماعی می‌انجامد. قواعد سیمین و زرین که در ادیان و مکاتب اخلاقی متعددی ارائه شده‌اند چنین ویژگی‌ای دارند. اصل آزادی‌های مشروع اجتماعی نیز این ویژگی را دارند.

اصول عام اخلاقی که بیانگر جامعه عادلانه و مطلوب هستند وظایفی اجتماعی در اختیار می‌نهد که معیاری برای استدلال اخلاقی خواهند بود. رفتار اخلاقی نمی‌تواند در مقابل این قواعد اخلاقی باشند. رفتاری که عدالت اجتماعی را نقض کند و حقی را از کسی پایمال کند نامطلوب است و رفتاری اخلاقی که این قواعد را نیز حفظ کند مطلوبیت مضاعف می‌یابد.

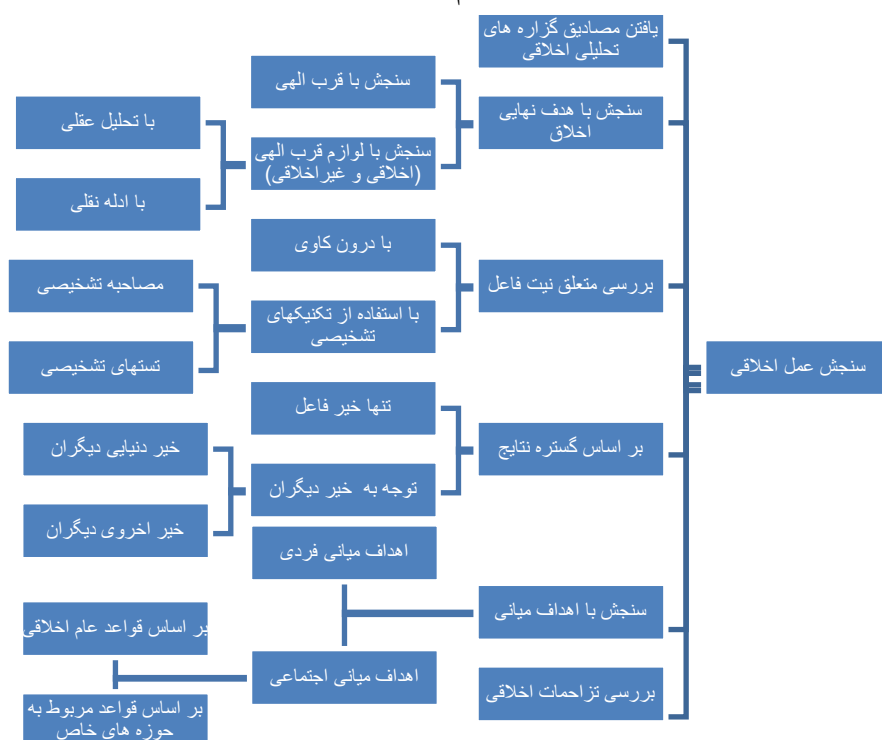
علاوه بر اصول عام اخلاقی که در همه حوزه‌های اخلاق اجتماعی کاربرد دارند، می‌توان از قواعد و کدهایی سخن گفت که به یک حوزه فعالیت اجتماعی خاصی مربوط هستند. حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، جنگ و قضاء، تعلیم و تربیت و مواردی دیگر می‌توانند قواعد اختصاصی داشته باشند که بر اساس آنها استدلال اخلاقی شکل خواهد گرفت. به عنوان مثال از اصل عام عدالت اجتماعی اصولی در حوزه‌های مختلف عدالت می‌توان استنتاج کرد که هرکدام اقتضای خود را دارند. عدالت تصحیحی، عدالت جبرانی و عدالت توزیعی از جمله این موارد است.

همه استدلال‌های اخلاقی نیازمند به یک گام نهایی هستند که مطابق آن به تراحمات اخلاقی ممکن پرداخته شود. تراحم اخلاقی به معنای عدم امکان امثال ید و یا چند الزام اخلاقی در زمان واحد است. ممکن است فعلی در سنجش اخلاقی مثلاً ۱۰+ امتیاز داشته باشد اما همین فعل در موقعیت‌های مختلف و در اثر تراحم با افعال دیگر ارزش کم یا زیاد شده و حتی فاقد ارزش یا دارای ارزش منفی گردد. کمک به دیگران را که مصداق خیرخواهی و عملی ارزشمند است فرض بگیرید. این عمل می‌تواند در شرایط خاصی ضد ارزش تلقی شود. کمک به دیگران با فرض آسیب زدن به افرادی دیگر، یا تراحم با الزامی مهم‌تر، یا وجود افرادی نیازمندتر و مانند آن ممکن است ارزش خود را از دست بدهد. تحقق تراحمات اندیشمند اخلاقی را ملزم به سنجش اهمیت گزینه‌های متراحم می‌کند تا فرآیند استدلال کامل گردد و وظیفه اخلاقی شناسایی شود.

در کتاب‌های اصولی و اخلاقی بحث از تراحم طرح گردیده و ما به ذکر دو مورد اکتفا می‌کنیم. مظفر شاخص‌های تشخیص اولویت در تراحمات را به ایت شکل بیان می‌کنند: ۱- اهمیت اساس اسلام؛ ۲- تقدم حق الناس بر تکالیف اختصاصی؛ ۳- تقدم جان و ناموس بر دیگر امور؛ ۴- تقدم رکن در عبادت بر غیر رکن؛ ۵- دروغ مصلحت‌دار بر راست فتنه‌انگیز؛ ۶- الزامی که بدل دارد نسبت به الزامی که بدل ندارد؛ ۷- الزام با زمان محدود در مقابل الزامی که زمانی فراختر دارد؛ ۸- الزامی که زمان مختص دارد نسبت به غیر آن؛ ۹- الزامی که مشروط به قدرت شرعی نیست مقدم بر الزامی است که چنین شرطی ندارد؛ ۱۰- الزامی که به جهت زمان بر دیگری تقدم دارد. در یک تحقیق دیگر به هفت شاخصه برای شناسایی اهم در

تراحات اخلاقی اشاره شده که عبارتند از: ۱- درجه بندی مصالح؛ (۱/۱- تقدیم مصلحت به اعتبار تقدم و تأخر؛ ۲/۱ تقسیم مصلحت بر پایه دامنه شمول افراد، ۳/۱- تقسیم مصلحت به دنیوی و اخروی؛ ۴/۱- تقسیم مصلحت بر پایه اعتبار شرعی)؛ ۲- درجه بندی براساس احکام تکلیفی؛ ۳- درجه بندی براساس انواع واجب و حرام؛ ۴- تطبیق با اهداف کلی و اصول اخلاق؛ ۵- تقدیم امر اضطراری بر امر عادی؛ ۶- تقدیم امر محتمل الأهمیته؛ ۷- تقدیم براساس برخی خصوصیات خاص اخلاقی هر یک از طرفین.

با توجه به معیارهای ارائه شده در جهت استنباط حکم اخلاقی می توان نموداری ارائه داد. بررسی های همه جانبه در استدلال اخلاقی اطمینان بیشتری بر صحت استدلال فراهم می کند.



پس از ارائه تفصیلی حجت الاسلام دکتر احمدی امین، ناقد اول حجت الاسلام دکتر محمدعلی محیطی در مقام طرح برخی اشکالات به بیان مطالب زیر پرداخت:

- موضوع جذاب و جالبی هست که انتخاب شده و به آن پرداخته شده و هنوز هم جای کار و تلاش بیشتری را دارد.
- پیشنهاد می کنم که مولفه هایی که در مقاله ذکر شدند هرکدام جای یک بحث و مباحثه و کرسی جدی برای خودش دارد و بنابراین پنج یا شش کرسی دیگر از داخل این کرسی عملا می تواند برگزار شود.

- عنوان مقاله به نظر می رسد که گویای محتوی متن نیست و بهتر است که عنوان واضح تری به جهت منعکس کردن مفاهیم مقاله استفاده شود.
 - با توجه به رابطه طولی اهداف در اخلاق، اگر ارزش سنجی فعل در تناسب با هدف نهایی گفته می شد، ارزش سنجی فعل در تناسب با اهداف میانی را هم در بر می گرفت.
 - در نمودار ترسیم شده نسبت مولفه های استخراج شده با همدیگر در سنجش عمل اخلاقی مشخص نیست، آیا در عرض هم تاثیرگذارند یا در طول هم؟ در کل چه ارتباطی با همدیگر دارند؟
 - بر اساس عامل ارزش سنجی فعل اخلاقی با توجه به اصول و قواعد خاص و عام اجتماع، آیا این عنوان روش شناسی را مختص به اخلاق اجتماعی نمی کند؟
 - در ارزش سنجی فعل اخلاقی از جهت خود فعل، خود فعل و موقعیت آن هم در ارزش سنجی آن تاثیر گزار است، بدون شناختن فعل اخلاقی با همه قیود و شرایطش، ما نمیتوانیم موضوع گزاره اخلاقی را بشناسیم و بنابراین حکم هم نمیتوانیم ارائه بدهیم.
 - نیت در برابر فعل به عنوان عامل تاثیرگذار در ارزش اخلاقی نیست، خود نیت هم یک فعل است.
- در ادامه جلسه، نوبت به ارائه مطالب و نقد ناقد دوم رسید که حجت الاسلام دکتر حسن محیطی ضمن تمجید مطلب ارائه شده و اهمیت مقاله و ضرورت پرداختن به این مسئله، به موارد زیر پرداختند:
- توقعی که از مفهوم روش شناسی می رود این است که ما دقیقا نشان دهیم با سازوکارهای تعیین کننده که یک عمل خوب است یا بد است.
 - این مولفه ها هستند که در ارزش های اخلاقی تاثیر دارند.
 - نیاز به تبیین بیشتری دارد مبنی بر اینکه چطور یک فعل به خودی خود با قطع نظر از نیت و پیامدهایی که دارد می تواند خوب باشد.
 - توجه به خود فعل، نیت و دیگران تا اندازه ای خوب است که گستره بیشتری از مردم از آن بهره ببرند.
 - استمرار یک کار خودش میتواند یکی از مولفه ها باشد و همچنین زمان و مکان نیز می تواند از مولفه ها باشد، منتها اگر رابطه این ها در مقاله تقویت شود بسیار مناسب تر است.
 - اشاره به مبانی بحث بسیار مهم است، اگر بخواهیم حکم اخلاقی را استنباط کنیم بدون توجه به مبانی نمی توانیم این استنباط را انجام دهیم، در این صورت می توان مشخص نمود که بر چه اساس و بر چه مبنایی داریم بحث را پیگیری می کنیم.

- با تبیین مبانی اولیه میتوان بسیاری از شبهات را رفع کرد.
- در بعضی از مواضع فرمودید که حکم اخلاقی تفاوت می کند از یک موقعیت به موقعیت دیگر، از یک زمان به زمان دیگر، پس حکم اخلاقی ثابتی نداریم، بنابراین چیزی شبیه به اخلاق وضعیت می شود، شما در اینجا قاعده محوری را نقض می کنید اما تحت یک عنوان دیگر (ارزش سنجی فعل اخلاقی در رابطه با قواعد عام اجتماعی) از این برداشت می شود که یک سری قواعد عام اجتماعی داریم که این سوال ایجاد می شود که آیا اخلاق اسلامی قاعده محور هست یا نه؟
- سوال مهمی در اینجا مطرح می شود که بایستی به آن جواب داده شود و آن این است که مدل اخلاق اسلامی آیا قاعده محور است؟ یا عهد محور است؟ یا فعل محور است؟ لذا خوب است که در مبانی به این نکات هم اشاره شود.

در انتهای جلسه نیز ضمن طرح پرسش های حضار و سایر مطالب طرح شده توسط ناقدین، ارائه دهنده به انتقادات و سؤالات پاسخ داده و با جمع بندی مدیر کرسی، جلسه با ذکر صلوات بر محمد و آل طاهرینش به پایان رسید.